

سقط جنین به منظور نجات جان مادر

نویسنده :

محمدحسین مدبر* ، مربی - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی جهرم

چکیده:

سقط جنین یکی از موضوعاتی است که در علوم مختلف و از جنبه های متعدد مورد بحث و بررسی قرار می گیرد . از جمله آن علوم فقه و حقوق اسلامی و دیگری حقوق جزایی . جنین در صورتی که به مرحله زندگی مستقل از مادر رسیده باشد و ماندن آن در رحم ، سلامتی وی را تهدید نماید ، از نظر فقه و حقوق بایستی بدون درنگ از مادر جدا شود و به وسیله دستگاههای مخصوص نگهداری و پرورش یابد. در این صورت ما با پدیده انتقال جنین مواجهیم نه سقط جنین . حالت بعدی این است که جنین به مرحله حیات مستقل از مادر نرسیده و ماههای اولیه حیات جنینی خود را سپری می سازد . در این صورت خواه روح در آن دمیده شده باشد یا نشده باشد . اگر حیات مادر را تهدید نماید و وضعیت بگونه ای باشد که بایستی یکی فدای دیگر شود ، فقیهان بر اساس مبانی و قواعد فقهی معتقدند که بایستی یکی از آندو که یقیناً یا احتمالاً مهم تر و احتمال زنده ماندنش بیشتر است ، بر دیگری ترجیح داده شود و در صورتی که هر دو از اهمیت یکسان برخوردار باشند به حکم عقل یکی از آندو به دلخواه بر دیگری ترجیح داده می شود. بنابراین در این وضعیت اگر مادر یا پزشک اقدام به سقط جنین نماید ، خلاف شرع انجام نداده است. البته در صورت اقدام به سقط و در صورت مطالبه اولیای دم بایستی دیه جنین در هر مرحله ای که باشد پرداخت شود.

اما مقررات جزایی کشورمان در حال حاضر و به حکم ماده ۱۷ آیین نامه انتظامی پزشکی مصوب سال ۱۳۴۸ و به استناد تفسیری که شورای نگهبان از این ماده نموده است ، تنها در صورتی که حیات مادر در خطر باشد و هنوز روح در جنین دمیده نشده باشد ، اجازه سقط جنین داده است. این حالی است که مبانی و منابع فقه پویای شیعی کاملاً تکلیف مادر و پزشکان را در زمانی که روح در جنین دمیده شده باشد روشن ساخته است . امید است قانون گذاران کشورمان با تجدید نظر در مقررات مربوط به سقط جنین ، همگان را از بلا تکلیفی و سردرگمی و احیاناً از توسل اجباری به راههای خطرناک و غیرقانونی رها سازد.

واژگان کلیدی : جنین - سقط جنین - نقطه آغاز حیات جنین - اضطرار - روح

*نویسنده مسئول : جهرم - خیابان استاد مطهری - دانشکده علوم پزشکی

تلفن : ۳۳۳۱۰۲۳-۲۴

تاریخ دریافت ۸۴/۱/۲۴ - تاریخ پذیرش ۸۴/۲/۱۸

مقدمه :

گاهی زن باردار در موقعیتی قرار می‌گیرد که ادامه حاملگی، جان و حیات او را به مخاطره می‌اندازد بطوریکه اگر بخواهد زنده بماند، باید جنین را از خود جدا سازد. این وضعیت ممکن است چند صورت داشته باشد:

الف) جنین به حدی از رشد رسیده باشد که بتوان پس از جداسازی از مادر، به وسیله دستگاههای مخصوص، او را پرورش داده، در نتیجه حیات مادر و جنین، هر دو تأمین و تضمین گردد. در چنین وضعیتی، ما با پدیده (انتقال جنین) مواجهیم نه (سقط جنین). بنابراین، مورد مذکور از مباحث و مقررات سقط جنین خارج است.

ب) جنین به حد زندگی مستقل از مادر نرسیده باشد که در چنین وضعیتی دو حالت متصور است:

ب۱- جنین، حیات انسانی خود را آغاز نکرده باشد و روح در آن دمیده نشده باشد.

ب۲- جنین مانند مادر دارای حیات انسانی باشد و روح انسانی در پیکر او دمیده شده باشد.

سقط یا جداسازی جنین از مادر در حالت اول و دوم به منظور نجات جان مادر تحت شرایطی در شرع و قانون، مجاز دانسته شده، اما حالت سوم یعنی سقط جنین در حالی که تبدیل به یک انسان شده است و فدا کردن آن به منظور نجات جان انسان دیگر، به شدت در بین صاحب نظران مورد بحث قرار گرفته است. در این نوشتار حالات سه گانه فوق از دیدگاه فقه امامیه و مقررات جزایی کشورمان مورد بحث و کنکاش علمی قرار می‌گیرد. قبل از پرداختن به اصل موضوع، بایستی به این سؤال پاسخ داده شود که نقطه آغاز حیات انسانی کدام است و از چه زمانی جنین، حیات انسانی خود را آغاز می‌کند؟

بحث:

نقطه آغاز حیات انسانی :

الف) دیدگاه جنین شناسی :

دانشمندان جنین شناس نظرات متفاوتی در مورد نقطه آغاز حیات جنین ابراز نموده اند که به برخی از آن نظرات اشاره می‌گردد:

- مراد از شخص بودن، انسان ذی حیات است و از آنجا که تخم بارور شده، همچون انسانی ذی حیات است. بنابراین از زمانی که تخم بارور می‌شود، جنین، شخص محسوب می‌شود.

- از آنجا که سیر بیولوژیکی، یک روند مداوم است. لذا نقطه ای را نمی‌توان در آن سیر تکاملی مشخص نمود که به عنوان نقطه تبدیل جنین به شخص نامیده شود.

- قابلیت زیستن مستقل از مادر، مشخص کننده شخص بودن است.

- پایان دوره رشد جنین یعنی زمانی که تمامی ارگانهای بدنی، ظاهر گردید، مرز بین شخص و غیرشخص را مشخص می‌سازد.

- با روخ بروی^۱ یکی از دانشمندان جنین شناس معتقد است که قابلیت ادراک وحس یعنی زمانی که مغز جنین شروع به فعالیت می‌کند، نقطه شروع شخص بودن است.

- برای شخص بودن، عامل باید واجد ادراکی از وجود خود باشد و این آگاهی تا زمان معینی، پس از تولد حاصل نمی‌شود (۱).

- آغاز طپش قلب نوزاد، آغاز حرکت و آغاز حیات انسانی اوست (۲ و ۳).

ب) دیدگاه اسلام:

بر اساس تعلیمات دین اسلام، نقطه آغاز حیات انسانی، زمانی است که روح در جنین دمیده می‌شود. از این مرحله، جنین به عنوان یک شخص و یک انسان محسوب می‌شود. در قرآن مجید آمده است:

((ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاماً فکسونا العظام لحماً ثم انشاه خلقاً آخر فتبارک الله احسن الخالقین)) (۴).

((و ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن در رحم قرار دادیم. سپس نطفه را بصورت علقه و علقه را بصورت مضغه و مضغه را بصورت استخوان هایی در آوردیم و بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم. سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است)).

مفسر کبیر قرآن مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیات فوق می‌نویسد: ((خداوند تعالی در تبیین مراحل مختلف تکوین جنین، همه جا از کلمه

((خلق)) استفاده کرده است اما در مرحله دمیدن روح ، واژه ((انشاء)) را بکار برده است و این تغییر عبارت، گویای این واقعیت است که مرحله آخر با مراحل قبل فرق دارد. مراحل قبل ، تغییر فیزیکی و مادی بود اما مرحله آخر ، تغییر ماهوی است . مرحله ایجاد انسان است که موجودی است دارای حیات و علم و قدرت (۵) .

از دیدگاه حقوق اسلامی از این مرحله ، دیه جنین ، دیه یک انسان کامل است . از دو نفر از امامان معصوم یعنی امام صادق(ع) و امام رضا(ع) در بیان مقدار دیه جنین پس از دمیده شدن روح ، حدیثی نقل شده است که فرموده اند :
(فاذا نشأ فيه خلقاً آخر و هو الروح فهو حينئذ نفس فيه الف دينار ديه كامله)(عوف) .
(زمانی که خداوند به انسان آفرینش تازه ای که عبارت از روح است، اعطا نمود . در این هنگام جنین یک شخص است پس ديه او ديه یک انسان کامل است)) .

با توجه به مطالب فوق ، معلوم شد که از دیدگاه اسلام، آغاز حیات انسانی ، همان زمان دمیده شدن روح است اما این سؤال همچنان باقی است که چه زمانی روح در جنین دمیده می شود و نشانه و علامت دمیده شدن روح کدام است؟
در پاسخ این سؤال می توان گفت : با بررسی روایات امامان معصوم(ع) به این نتیجه می رسیم که حرکت جنین ، نشانه دمیده شدن روح معرفی شده است . برخی از روایات، این زمان را چهارماه و برخی دیگر پنج ماه معرفی کرده اند . بنابراین می توان نتیجه گرفت که دمیده شدن روح از نظر اسلام بین چهار تا پنج ماهگی جنین است . حضرت آیت ا... مکارم شیرازی در جواب اینکه دمیده شدن روح در چه زمانی می باشد می فرمایند :
(هنگامی که بچه در شکم مادر به حرکت در می آید که معمولاً در حدود چهارماهگی است)) .

سقوط جنین به منظور نجات جان مادر از دیدگاه فقه جزایی

در حقوق جزای اسلامی، حالت اضطرار به عنوان یکی از موارد رافع مسئولیت کیفری معرفی شده است . منظور از حالت اضطرار این است که انسان به دلایلی خارج از حیطه اراده و اختیار و بدون اینکه خود باعث بوجود آمدن این حالت شود، در موقعیتی قرار گیرد که ناچار باشد برای احراز امر مهمتری قانون شکنی کرده و جرمی را مرتکب شود . براساس تعالیم دین اسلام، چنین فردی مسئولیت کیفری ندارد و می تواند در حدی که از وضعیت ناپهناج و غیرقابل تحمل رهایی یابد. برخی از جرایم و اعمال خلاف قانون را مرتکب شود. آیات و روایاتی که مؤید مطلب مذکور باشد فراوان است(۱۰و۹و۸).

فقههای امامیه با توجه به منابع دینی و با عنایت به آیات و روایاتی که مبین اهمیت جان انسان است راجع به حالات سه گانه موضوع مورد بحث دیدگاه های خود را بیان نموده اند.

حالت اول : در مورد حالتی که هنوز روح در جنین دمیده نشده است و به دلایلی ادامه حاملگی برای مادر خطرناک است ، نظر فقههای امامیه این است که سقط جنین جایز است . امام خمینی(ره) در جواب این سؤال که زنی حامله شده است و اکنون یک ماه ونیم از زمان حاملگی را سپری کرده است اما پزشکان اظهار می دارند که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی خواهد شد ، آیا سقط جنین برای چنین مادری جایز است یا خیر؟ می فرمایند:

اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد قبل از دمیده شدن روح در جنین ، اسقاط جایز است(۱۱) .

همچنین آن رهبر فقید(ره) در جواب این سؤال که آیا سقط درمانی در مورد بیماران پیشرفته ای که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی در پی دارد با سن جنین زیر چهارماه ، مجاز است ؟ می فرمایند:

((اگر خوف خطر جانی هست ، با تشخیص دکتر مورد وثوق قبل از ولوج روح مانع ندارد))(۱۲).

در مورد علت تجویز اینگونه سقط جنین می توان گفت که جنین قبل از دمیده شدن روح، انسان کامل و تمام عیار نیست . بنابراین در مواردی که وجود یک انسان کامل و تمام عیار یعنی مادر را تهدید نماید ، باید برای حفظ حیات مادر، از میان برداشته شود و ناقص فدای کامل گردد و این مطلبی است مطابق و مورد تأیید وجدان و عقل و شرع . پیامبر اسلام(ص) می فرماید:

إذا اجتمعت حرمتان طرحت الصغرى لكبرى (۱۳) .

((آنگاه که دو امر قابل احترام با یکدیگر جمع شوند (و نتوان هر دو را انجام داد) باید کوچکتر را به خاطر بزرگتر رها کرد)).

حضرت امام علی(ع) نیز می فرماید:

ليس العاقل من يعرف الخير من الشر و لكن العاقل من يعرف خير الشرين(۱۴).

((عاقل آن نیست که تنها ، نیکی را از بدی تشخیص دهد بلکه عاقل کسی است که وقتی در مقابل دو بدی قرار می گیرد، آن را که خطرش کمتر و شرش خفیف تر است بشناسد و با تن دادن به شر کوچکتر ، خود را از شر بزرگ تر مصون نگاه دارد)).

حالت دوم : در موردی که روح در جنین دمیده شده و جنین ماههای آخر حیات جنینی خود را در رحم مادر سپری می کند و این امکان وجود دارد که در صورت وجود خطر جانی برای مادر، جنین را از مادر جدا نموده ، به وسیله دستگاههای مخصوص به پرورش جنین ادامه داده شود. فقیهان معتقدند که جدا نمودن جنین از مادر الزامی است و سقط جنین محسوب نخواهد شد. آیت ا... مکارم شیرازی در جواب این سؤال که

((معمول است که در زنان حامله مبتلا به سرطان اگر سرطان از نوع اولیه باشد و حاملگی در ماههای انتهایی است ، صبر می کنند تا جنین به حد قابلیت زندگی برسد سپس با عمل جراحی، جنین را زودتر از موعد از شکم خارج و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می کنند. آیا تعاریف فوق با احکام اسلام مطابقت دارد یا خیر؟)) می فرمایند:

((اگر حیات مادر در خطر باشد و جنین ماههای اول را طی کند مانعی ندارد و متولد کردن بچه قبل از موعد و پرورش او با شرایط ویژه مانعی ندارد)) (۱۵).

حالت سوم: در مورد حالتی که روح در جنین دمیده شده و دارای حیات انسانی است و مانند مادرش ، یک انسان محسوب می شود ، وضعیت جنین هم بگونه ای است که در صورت جداشدن از مادر از بین می رود. اگر در چنین وضعی ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی داشته باشد، وظیفه قانونی و شرعی پزشک ، مادر و اطرافیان چیست؟
در پاسخ این سؤال می توان گفت که با بررسی نظرات اسلام شناسان به سه نظریه برخورد می کنیم :

نظریه اول :

برخی معتقدند که با دمیده شدن روح در جنین، یک انسان تمام عیار و کامل و دارای حق و حقوق مشخص ، پا به عرصه وجود می نهد و از این نظر با مادرش هیچ تفاوتی ندارد. بنابراین ترجیح یکی بر دیگری و فداکردن یکی به خاطر دیگری ، منطقی و معقول به نظر نمی رسد . خداوند نیز به هیچ انسانی اجازه نداده است که بخاطر زدن ماندن خودش، دست به کشتن همونعانش بزند . بنابراین در چنین وضعیتی سقط جنین جایز نیست و بایستی صبر کنند تا قضای الهی واقع شود(۱۶).

نظریه دوم :

جمعی از فقیهان معتقدند که این مورد از مصادیق بارز باب ((تزامم)) است. چرا که تزامم عبارت از این است که دو دستور متوجه انسان مکلف شود . اما وضعیت بگونه ای است که امکان عمل به هر دو دستور وجود ندارد بلکه بایستی یکی از آن دو را انتخاب نمود.
عن النبی (ص) :

إذا امرتکم بشئ فأتوا منه ما استطعتم و عن علی(ع) المیسور لا یسقط بالمعصوم و مالا یدرک کله لا یترک کله (۱۷).

حفظ جان مادر و حفظ جان جنین دو دستور است اما پزشک عملاً با وضعیتی روبروست که توان عمل به هر دو دستور را ندارد.

حفظ جان خود و حفظ جان جنین دو وظیفه شرعی است که متوجه زن حامله شده است اما موقعیت بگونه ای است که مادر، هر دو وظیفه را نمی تواند عمل نماید.

در کتب اصول فقه برای ((تزامم)) حالات و اقسام متعددی ذکر شده است از جمله آن اقسام ، موردی است که عمل ممنوع و حرامی مقدمه انجام عمل واجب و لازم قرار گیرد مانند اینکه برای نجات جان یک انسان در حال غرق شدن ، لازم شود که بدون اجازه صاحب ملکی ، وارد آن ملک شوند و آن غریق را نجات دهند. در اینجا ورود به ملک غیر بدون اجازه مالک آن که ممنوع و غیرقانونی است ، مقدمه نجات غریق است و فرد مکلف در موقعیتی است که توان اطاعت از هر دو تکلیف یعنی ((پرهیز از ورود به ملک غیر)) و ((نجات غریق)) را ندارد. دانشمندان علم اصول فقه با توجه به مبانی عقلی و شرعی معتقدند که در چنین وضعی ، انسان مکلف ، باید دست به انتخاب بزند و دستوری که دارای اهمیت بیشتری است اطاعت کند(اولویت تقدم اهم بر مهم در موارد تزامم).

در همین مورد اگر هر دو دستور از نظر اهمیت مساوی بود ، عقل حکم می کند که آدمی اختیار دارد که یکی از آن دو را به دلخواه انتخاب نماید (۱۸).

درحالت سوم یعنی موردی که برای نجات مادر، بایستی جنین سقط شود . سقط جنین که ممنوع و غیرمشروع است ، مقدمه عمل واجب و لازمی یعنی نجات جان مادر واقع شده است . در اینجا دو احتمال قابل ذکر است :

یکی اینکه گفته شود جنین دارای حیات و روح با زن حامله از لحاظ اهمیت و ارجحیت مساوی است . چرا که هر دو انسانند و دارای حق حیات ، که در این صورت مادر و پزشک در انتخاب یکی از دو طرف به حکم عقل مختارند . بنابراین اگر برای نجات مادر، سقط جنین صورت پذیرد ، مسئولیت کیفری ندارند و گناهی مرتکب نشده اند.

احتمال دوم این است که گفته شود حفظ جان مادر دارای اهمیت بیشتری است . چرا که اگر مادر حفظ نشود ، چه بسا جنین جان به سلامت نبرد ، بنابراین حیات مادر قطعی تر از حیات جنین است . مادر ، انسانی است بالفعل و دارای استعدادها و قابلیت های بالفعل ، اما جنین بالقوه انسان محسوب می شود . بنابراین اگر گفته نشود که قطعاً نجات جان مادر از اهمیت بیشتری برخوردار است . لااقل می توان ادعا نمود که احتمالاً نجات جان مادر از نجات جان جنین با اهمیت تر است که همین مقدار هم برای ترجیح مادر بر جنین کافی است . چرا که دانشمندان علم اصول گفته اند که در موارد ((تزامم)) لازم نیست که ترجیح یکی بر دیگری مسلم و قطعی باشد. بلکه وجود مرجحات احتمالی هم کافی است (لا یجب احراز اهمیه احدالمترجمین بل یفکی الاحتمال)(۱۹ و ۲۰).

آیت ... خامنه ای در جواب این سؤال که ((زنی می خواهد وضع حمل کند ، پزشک متخصص تشخیص داده که باید یا مادر و یا بچه به وسیله عمل جراحی یا طریقه دیگر کشته شود تا یکی از آنها سالم بماند ولی بدون عمل جراحی هر دو می میرند و با عمل ، به احتمال زیاد یکی از آنها زنده می ماند در این صورت عمل جراحی جایز است یا خیر؟ بر فرض جواز، زنده ماندن کدام اولی است؟ می فرمایند :

((در فرض سؤال عمل جراحی جایز است و هر کدام احتمال ماندنش بیشتر است ، او را زنده نگه دارند)) (۲۱).

بر اساس این نظریه در غالب موارد ترجیح با حفظ حیات مادر است و سقط جنین پس از دمیده شدن روح جایز است.

نظریه سوم :

برخی از دانشمندان اسلام شناس معتقدند که به محض وجود حالت تزاحم و علم به اینکه نمی توان هر دو را نجات داد ، نمی توان اقدام به سقط جنین نمود . بلکه به خاطر اهمیت والای جان آدمی هر چند هنوز به مرحله حیات مستقل نرسیده باشد ، بایستی تا آخرین زمان ، امکان حفظ هر دو صبر کرد و آخرین تلاشها برای نجات هر دو به عمل آورد . آنگاه در صورت یأس از نجات هر دو، جنین را برای نجات جان مادر سقط نمود. رهبر فقید انقلاب ، امام خمینی در جواب این سؤال که در مورد مادران بیماری که ادامه حاملگی مغایرت با حیات مادر پیدا می کند و سن جنین از چهارماه بیشتر است ، لیکن جنین از نظر سنی در وضعیتی است که امکان ادامه حیات وی خارج از رحم مادر وجود ندارد و بعد از مرگ مادر ، او هم فوت خواهد نمود ، آیا می توان به منظور نجات حداقل یک نفر یعنی مادر به حاملگی خاتمه داد؟ می فرمایند:

((باید تا آخرین ساعات ، امکان حفظ حیات مادر منتظر بمانند . چنانچه در آن هنگام ، جنین در وضعی باشد که امکان حیاتش نیست ، سقط او جهت حفظ حیات مادر مانعی ندارد)) (۲۲).

سقط جنین به منظور نجات جان مادر از منظر قوانین جزایی ایران

قانونگذاران جمهوری اسلامی ایران مانند فقیهان ، در موضوع مورد بحث ، حالت ((اضطرار)) یا ((ضرورت)) را رافع مسئولیت کیفری شمرده و آن را طی ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ به تصویب رسانیده اند. بنابراین به استناد ماده مزبور ، هرگاه ادامه حاملگی برای مادر، خطر جانی داشته باشد و برای نجات جان وی هیچ چاره ای جز سقط جنین وجود نداشته باشد و خود بیمار هم عمداً خطر را ایجاد نکرده باشد، با وجود این شرایط سقط جنین مجاز است . لیکن این تجویز ، محدود به قبل از دمیده شدن روح گشته است که شرح آن در تفسیر شورای نگهبان خواهد آمد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ، سقط جنین جهت نجات جان مادر در ماده ۱۸۳ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و همچنین در ماده ۱۷ آیین نامه انتظامی پزشکی مصوب سال ۱۳۴۸ تجویز شده بود لکن شورای نگهبان مفاده ماده ۱۷ آیین نامه مزبور را علی الاطلاق تأیید نکرد . بلکه آن را محدود به قبل از دمیده شدن روح نمود . بنابراین در حال حاضر ، مفاد ماده ۱۷ قبل از دمیده شدن روح در جنین قابل اجرا است. متن ماده ۱۷ و تفسیر شورای نگهبان چنین است:

((در موردی که سقط جنین برای سلامت جان مادر لازم باشد ، پزشک موظف است در بیمارستان و پس از مشاوره و تصویب دو نفر پزشک دیگر اقدام نماید. در این صورت ظرف ۲۴ ساعت باید گزارش امر را با ذکر دلیل ، نام محل و اسامی پزشکان مشاور به هیأت مدیره نظام پزشکی ارسال دارد . در صورتی که در محل، بیمارستان و یا پزشک دیگری نباشد و انتقال بیمار به محل که دارای بیمارستان و پزشک است ، میسر نشود ، پزشک می تواند برای حفظ سلامت و جان مادر اقدام و گزارش امر را با دلایل کافی به هیأت مدیره نظام پزشکی در ظرف ۲۴ ساعت اطلاع دهد. متخلفین بر حسب مورد به یکی از مجازات های مندرج در بندهای ۹ (محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی ، بیش از سه ماه تا یک سال در تمام کشور) و ۱۰ (محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی از یک سال تا سه سال در تمام کشور) محکوم می گردند)) (۲۳).

مفاد این ماده ، مورد اعتراض شورای نگهبان قرار گرفته و این شورا در نظریه ای که در سال ۱۳۶۳ اعلام داشته است چنین مقرر نمود:

آیین نامه انتظامی پزشکی مصوب کمیسیون های مشترک بهداشتی و دادگستری مجلسین رژیم منحل، در شورای نگهبان مطرح و در جلسات متعدد، فقهای شورای نگهبان از لحاظ انطباق آن با موازین شرعی بررسی شد و به شرح زیر به اکثریت آراء اعلام نظر می شود:

((ماده ۱۷ که دلالت بر جواز سقط جنین برای سلامت مادر دارد ، بطور اطلاق ، شرعی نیست و چون سقط جنین برای سلامت مادر صور مختلف دارد ، باید موارد آن مشخص شود . مثلاً در موردی که قبل از دمیده شدن روح در جنینی ، تعیین یا خوف عقلائی حاصل شود ، به تلف شدن مادر و توقف حفظ نفس او بر سقط جنین ، در این حال که هنوز روح در او دمیده نشده است جایز است و در مورد پس از دمیده شدن روح ، اگر امر دائر باشد بین حفظ یکی از آنها به این صورت که اگر اقدامی نشود ، یا مادر جان به سلامت می برد یا جنین ، سقط جنین برای حفظ جان مادر جایز نیست و سایر موارد نیز باید مشخص شود و حکم مطابق موضوع تعیین گردد ..)) (۲۴ و ۲۵).

با توجه به مطالب فوق الذکر ، درحال حاضر سقط جنین جهت نجات جان مادر توسط صاحبان حرف پزشکی و در مراکز درمانی ، در صورتی وجهه قانونی دارد که هنوز روح در جنین دمیده نشده باشد. بنابراین در صورتی که پزشک هرچند با انگیزه نجات جان مادر ، اقدام به سقط جنین ، پس از دمیده شدن روح نماید . مفاد ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ در مورد وی اجرا خواهد شد. متن ماده مزبور چنین است :

((اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت)).

همچنین در صورتی که جهت نجات جان مادر، قبل از دمیده شدن روح در جنین، اقدام به سقط آن نماید، اما تشریفات مذکور در ماده ۱۷ آیین نامه انتظامی پزشکی را مراعات ننماید، به مجازات های مندرج در همان ماده محکوم می گردند.

نتیجه گیری :

جداسازی جنین از مادر به منظور پرورش آن در دستگاههای مخصوص، از نظر شرع و قانون مجاز است. سقط جنین قبل از دمیده شدن روح در آن به منظور نجات جان مادر نیز از نظر مبانی فقهی و فتوای فقیهان و بر اساس قوانین جزایی کشورمان بدون اشکال است. اما سقط جنین پس از دمیده شدن روح و جهت نجات جان مادر، در حالی که بر اساس مبانی فقهی و فتوای بسیاری از فقیهان مجاز دانسته شده است، مقررات جزایی جاری کشورمان آن را ممنوع ساخته و نتوانسته است با تکیه بر فقه پویای شیعه، نیازهای زمانه را پاسخگو باشد. شایسته است قانونگذاران کشورمان در مقررات مربوط به سقط جنین تجدید نظر نموده و جامعه پزشکی را از سردرگمی و بیماران را از توسل به افراد سودجو و اتخاذ راههای خطرناک یا غیرقانونی رها سازند.

منابع و مأخذ :

- ۱- محقق داماد، م. مجموعه مقالات اخلاق پزشکی، ج ۵ مقاله تحقیق در مورد سقط جنین، عوارض، مسائل و موضوعات پیرامون آن. چاپ اول تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی ۱۳۷۳. ص ۱۶۴ تا ص ۱۶۶.
- ۲- عبادی، ش. حقوق پزشکی، چاپ دوم تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲. ص ۱۲۵.
- ۳- حسینی، ا. بررسی مقدماتی اصول روان شناسی اسلامی، ج اول، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴. ص ۲۵.
- ۴- قرآن، مؤمنون / ۱۳.
- ۵- طباطبایی، محمدحسین. تفسیرالمیزان ج ۱۵. چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۲۰.
- ۶- نجفی، م. ح. جواهرالکلام، ج ۴۳، لبنان بیروت، ص ۳۵۶.
- ۷- حر عاملی، م. ح. وسایل الشیعه، ج ۱۹ لبنان و بیروت، ۱۳۹۱. ص ۲۳۷.
- ۸- قرآن مجید، بقره / ۱۷۳، مائده / ۳، انعام / ۱۴۵، نحل / ۱۱۵.
- ۹- صدوق، م. التوحید، چاپ اول، قم. انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۵، ص ۳۵۳.
- ۱۰- انصاری، م. الرسائل، ج اول، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ هجری قمری، ص ۳۲۰.
- ۱۱- وحیدی، م. احکام بانوان، چاپ چهاردهم تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴. ص ۹۶.
- ۱۲- بی آزار شیرازی، ع. رساله نوین فقهی - پزشکی (بهداشت)، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۸۹.
- ۱۳- نصری، ع. انتظار بشر از دین چاپ سوم، تهران مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰.
- ۱۴- مجلسی، م. بحارالانوار، ج ۱۷، بیروت دارالاحیاء التراث العربی، ص ۱۱۶.
- ۱۵- کاظم پور، ش. احکام در مراکز بهداشتی و درمانی، چاپ دانشکده پرستاری و مامایی، تهران، ص ۹۷.
- ۱۶- صافی گلپایگانی، ل. استفتاءات پزشکی، چاپ اول، قم، دارالقرآن الکریم، ص ۶۵.
- ۱۷- مشکینی، ع. اصطلاحات الاصول، چاپ دوم، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۴۸، ص ۲۰۲.
- ۱۸- همان ص ۱۰۵.
- ۱۹- آخوند خراسانی، م. کفایه الاصول، چاپ اول، قم مؤسسه النشر الاسلامی ۱۴۱۲ هجری قمری، ص ۴۰۶.
- ۲۰- مظفر، م. اصول الفقه، ج ۲، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵، ص ۱۹۴.
- ۲۱- محمدزاده، خ. پزشکی در آئینه اجتهاد، چاپ اول تهران، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴.
- ۲۲- نانگیر، ح. ضروریات فقه پزشکی، کاشان، دانشکده علوم پزشکی، ۱۳۷۵، ص ۸.
- ۲۳- عبادی، ش. حقوق پزشکی، چاپ دوم تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵. مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی سال ۱۳۷۱. انتشارات کتابخانه گنج دانش، ص ۶۴۷.
- ۲۴- مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی سال ۱۳۷۱. انتشارات کتابخانه گنج دانش، ص ۶۴۷.
- ۲۵- روزنامه رسمی ش ۱۵۵۷ مورخ ۱۳۶۳/۸/۸.

Abortion for keeping mother alive **Modaber M.(MS)**

Abstract :

Abortion is one of the topics that is discussed from different points of view such as Islamic Law, Jurisprudence, and criminal law .If the fetus is at the sthtrimatn and remain in the uterus threatens mother's life, according to Islamic law and Jurisprudence, it should be removed from the uterus and taken care of in certain devices .In this case ,we deal with the phenomena of fetus transfer rather than abortion.

On the other hand ,if the fetus is still dependent on the mother and remains at an embryonic stage of development whether it has life or not , if it threatens the mother's life and one of them prefers to other, one of them should be selected. The Jurists believe that the one who is less likely to live on should be given the priority for the death choice, and if they have an equal chance to live on , one of them should be sacrificed on the basis of reasonable decision .Therefore , under this circumstance if the doctor or the mother performs abortion , he/she has not acted against Islamic law. Of course if the abortion is performed ,the due compensation should be paid if it is demanded by the family.But the present penal laws in our country ,and based on the article seventeen of medical disciplinary passed in 1348 which came into effect after the Guardian Council had made a change in it , allow abortion only when the mother is in danger and the fetus is inanimate. It holds true while the dynamic principles derived from Shiah Fegh have entirely made clear what measures both the mother and the doctor shoud take if the fetus is animat .It's hoped that law makers in our country will revise the laws related to abortion ,put an end to the confusion of those involved ,and therefore ,prevent some from types of unsafe and illegal methods .

Key words :Fetus , Abortion , starting point of embryonic life , Necessity , soul , spirit